

Research on soft power

Reza Parizad¹
Farzad naghizadeh²

Abstract

The use of hard power in politics is not always the answer to meeting the needs and may face resistance due to the image of force and coercion. In contrast to this, there is soft power, which has a softer and more flexible aspect. This article seeks to examine soft power more closely, seeking to answer the question of what is the importance of soft power, its pillars and strategies? The research will try to answer this question using descriptive-analytical method and based on library resources. The findings of this research show that soft power is the ability to achieve a goal through attraction and not through coercion and enticement. The importance of soft power is in improving relations between governments, gaining international prestige and credit, and influencing public opinion. The pillars of soft power include beliefs and values, trust, credibility; two structural and non-structural methods in producing soft power; Strategic narratives as sources of power include actors, environment, conflict or action, dispute resolution, however, soft power has characteristics that cause it to be criticized.

Key words: power, soft power, foreign policy, policy making

¹ Assistant professor and faculty member of Islamic Azad University, Qom branch, Iran. **R_parizad@yahoo.com**

² PhD student in Political Science, majoring in Political Thought, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran. **Ch.nqyzadh@gmail.com**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 4, No 12, Summer 2022

سال چهارم، شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۱

ppt 156-176

صفحات ۱۷۶-۱۵۶

جستاری بر قدرت نرم

رضا پریزاد^۱

فرزاد نقی زاده^۲

چکیده

کاربرد قدرت سخت در سیاست همیشه پاسخگوی تأمین نیازها نبوده و چه بسا به سبب وجهه زور و اجبار آمیز با مقاومت روبرو شود. در مقابل این قدرت، قدرت نرم قرار دارد که از وجه ملایم و منعطف تری برخوردار است. این مقاله به دنبال بررسی دقیق تر قدرت نرم به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که اهمیت قدرت نرم، ارکان و راهبردهای آن چیست؟ پژوهش تلاش خواهد کرد تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ دهد. یافته این پژوهش نشان می‌دهد که قدرت نرم توانایی کسب هدف از طریق جاذبه و نه از طریق اجبار و تطمیع است. اهمیت قدرت نرم در بهبود روابط میان دولت‌ها، کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی است. ارکان قدرت نرم شامل باورها و ارزش‌ها، اعتماد، اعتبار؛ دو روش ساختاری و غیر ساختاری در تولید قدرت نرم؛ روایت‌های راهبردی به‌عنوان منابع قدرت شامل بازیگران، محیط، تعارض یا عمل، حل اختلاف است با این حال قدرت نرم دارای ویژگی‌هایی است که موجب نقد آن نیز می‌شود.

واژگان کلیدی: قدرت، قدرت نرم، سیاست خارجی، سیاست گذاری

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

R_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

مقدمه

قدرت و مؤلفه‌های آن از مفاهیم اساسی علم سیاست به شمار می‌رود که با بررسی عوامل اصلی قدرت در ادوار مختلف تاریخی می‌توان به این مسئله پی برد که در هر دوره‌ای با یک عامل مهم یا اصلی روبرو هستیم که متناسب با مقتضیات و شرایط زمانی خود قابل تبیین است. در تقسیم‌بندی قدرت، به نرم و سخت می‌توان دو بعد از این مفهوم را شناسایی کرد. مجموع عواملی که باعث شد تا بحث قدرت نرم برجسته شود عبارت است از؛ پایان دوران جنگ سرد، جهانی‌شدن و تحول فناوری که بر روی سرشت قدرت و اعمال آن تأثیر گذاشت.

یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت در قرن بیست و یکم قدرت نرم است و امروزه به یکی از مطلوبیت‌های نظام‌های سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده است. تفاوت قدرت نرم با دیگر قدرت‌ها، در ماهیت و جنس قدرت است که از بعد مادی و عینی خارج شده است. نکته حائز اهمیت این است که قدرت نرم به واسطه ماهیت شناوری که دارد، موجب شده است تا صاحب‌نظران، برای افزایش قدرت نرم به بسترهای مختلفی که بر میزان کارکرد آن تأثیرگذار است توجه کنند؛ بنابراین پرداختن به مسئله قدرت نرم با درک روایت راهبردی آن می‌تواند موجب شود تا پرسش‌های متعددی در نحوه کاربرد قدرت نرم ایجاد شود. پژوهش حاضر در نظر دارد تا به واکاوی این مسئله پرداخته و نگاه جامع‌تری نسبت به مسئله قدرت نرم بازگو کند. از همین رو این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که اهمیت قدرت نرم، ارکان و راهبردهای آن چیست؟ از دیدگاه نای، قدرت سخت را می‌توان قدرت کمی دانست؛ اما مفهوم ارائه‌شده نای از قدرت نرم، نشان‌دهنده اهمیت غیر کمی و به عبارتی کیفی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است.

۱. مفهوم قدرت نرم

قدرت به معنای امکان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است. در تحلیل قدرت که ناظر بر توانمندی دولت‌ها است باید گفت منبع قدرت نیز با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌تواند در طول زمان تغییر کند و برداشت‌های متفاوتی از اهمیت هر یک از آن‌ها شود. این مفهوم یکی از مقوله‌های بنیادین در علوم سیاسی و اندیشه سیاسی است. از زمان افلاطون به بعد قدرت همیشه در کانون توجه اندیشمندان سیاسی قرار داشته است. به‌ویژه در عصر حاضر، به یکی از مفاهیم عمده تبدیل شده و نقش محوری یافته است. در سال ۱۹۹۰ میلادی اولین بار جوزف نای بود که از مفهوم جدیدی از قدرت به نام قدرت نرم در نشریه آتلانتیک استفاده کرد. این مقاله مفهوم قدرت از نظر نای را مبنای کار خود قرار می‌دهد و موفقیت در سیاست جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۹۱). جوزف نای^۱ معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته، در حقیقت راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌ها است، راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست. در قدرت نرم، دیگران بیش از آنکه به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند و این از آن‌رو است که دیگران ترغیب می‌شوند که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. از منظر نای قدرت نرم عبارت از توانایی کسب مطلوب، مقصود و هدف از طریق جاذبه و نه از طریق اجبار و تطمیع است. قدرت نرم از جذابیت‌های فرهنگی، ایده آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۸۳).

¹ Joseph Nye

به نظر جوزف نای، برای ترغیب بازیگر B به انجام رفتار دلخواه بازیگر A سه راه «اجبار»، «پاداش» و «جذب و اقناع» وجود دارد. از نظر نای، قدرت سخت شامل مجازات یا پاداش (چماق یا هویج) برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و به دست آوردن نتیجه مطلوب است و می‌تواند شامل قدرت نظامی (تهدید آن)، قدرت اقتصادی (تحریم) یا حتی استفاده از نهادها باشد. از این نظر تا زمانی که یک کشور پاداش می‌گیرد یا مجازات می‌شود (تهدید می‌شود)، این قدرت سخت است که به کاربرده می‌شود این در حالی است که در مقابل قدرت سخت، ثنوری قدرت نرم بر این مبنای است که اگر دولت A جذاب باشد، دولت B همان‌طور که دولت A می‌خواهد رفتار خواهد کرد (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۵۹).

نای معتقد است، آنچه با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته در حقیقت راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌هاست راهی که در آن از تهدید خبری نیست. در قدرت نرم دیگران بیش از آنکه به کاری مجبور شوند به همکاری گرفته می‌شوند. از این رو، دیگران ترغیب می‌شوند همان چیزی را بخواهند که ما می‌خواهیم. لذا قدرت نرم قابلیت شکل دادن به علایق دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). در روابط بین‌الملل با استفاده از قدرت نرم می‌توان به ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در عرصه‌ی بین‌الملل، حفظ پرستیژ بین‌المللی و جهت‌دهی به افکار عمومی در راستای تثبیت ساختار هژمونی نائل آمد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳).

نای استدلال می‌کند که «قدرت نرم» به دو دلیل برای دولت‌ها ابزاری بسیار دشوارتر از «قدرت سخت» است: بسیاری از منابع حیاتی آن خارج از کنترل دولت‌ها هستند. توجه به این نکته مهم است که این در پایان جنگ سرد نوشته شد، جایی که کشورها از رسانه‌های خود برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی استفاده کردند؛ و البته درحالی که این موضوع امروز هم مطرح است، از آن زمان تاکنون یک تغییر بزرگ رخ داده است: اینترنت. از زمانی که نای کتاب خود را در دهه ۸۰ منتشر کرد، جهان دستخوش یک انقلاب عظیم فناوری شده

است. این به این دلیل است که ۶۳,۲٪ از جمعیت جهان به اینترنت دسترسی دارند که به این معنی است که بیش از نیمی از جمعیت جهان به منابع خبری، نظرات و اطلاعاتی دسترسی دارند که ممکن است مستقیماً با دستور کار ایالت آن‌ها در تضاد باشد یا مانع از آن شود. این به هیچ وجه چیز بدی نیست، یک جمعیت آگاه‌تر و درگیرتر، دولت‌های بهتری را ایجاد می‌کند، دولت‌هایی که کمتر و کمتر پشت درهای بسته پنهان می‌شوند. ولی با آزادی اینترنت، بسیاری از نادرست‌ها، اشتباهات و اطلاعات بدی که به این معنی است که «قدرت نرم» کلی یک کشور در نوسان دائمی است. انقلاب تکنولوژیک همچنین منجر به ظهور احزاب غیردولتی فوق‌العاده قدرتمند شده است، مانند شرکت‌های بزرگ فناوری که پاسخگوی یک ملت نیستند. این سازمان‌ها، همان‌طور که در رسوایی کمبریج آنالیتیکا در سال ۲۰۱۶ دیده شد، توانایی تحت تأثیر قرار دادن تعداد زیادی از مردم را دارند و همیشه درخواست کشورهایی که در آن‌ها زندگی می‌کنند نیستند. استفاده از «قدرت نرم» در ذات خود به زمان زیادی نیاز دارد. به دلیل پیچیدگی و ماهیت ناپایدار آن، فقط به‌طور غیرمستقیم کار می‌کند. دولت‌ها نمی‌توانند فقط از «قدرت نرم» که دارند برای دستیابی به نتایج دلخواه خود استفاده کنند. در عوض، آن‌ها باید به‌طور غیرمستقیم از آن استفاده کنند و محیطی را برای سیاست‌گذاری شکل دهند و مردم را برای خواستن آنچه می‌خواهند، انتخاب کنند. به همین دلیل، گاهی اوقات چندین سال طول می‌کشد تا تغییر محسوسی ایجاد شود، چه رسد به توانایی آن‌ها برای رسیدن به اهدافشان (Advance, 2021).

از منظر نای، در آینده قدرت از آن کسی است که بتواند در رفتار دیگر بازیگران توانایی ایجاد تغییرات دلخواه خودش را ایجاد کند و از اجبار کنندگی علنی دور باشد، هر چند در نتیجه هر کدام از آن‌ها دولت به مطلوبیت‌های خود دست پیدا می‌کند. در حقیقت در بطن اعمال قدرت نرم، از دیگران برای همکاری در جهت نیل به اهداف استفاده می‌شود و همکاری جای خود را به اجبار می‌دهد؛ بنابراین اثبات قدرت در گروهی منابع قدرت نیست،

بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر است. نای معتقد است قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. نگاه نای به مفهوم نرم‌افزارانه قدرت نگاهی مبتنی بر جذب و اغواگری است. نتیجه اغواگری فرهنگی، سیاست خارجی موفق و در نهایت کسب مطلوبیت‌ها در حوزه‌های مختلف است. البته باید توجه داشت اصولاً نای این دیدگاه را در راستای تقویت قدرت آمریکا در جهان و پس از دوران جنگ سرد ارائه می‌دهد و در همین راستا از آنچه به عنوان قدرت حقیقی آمریکا و جهان آزاد است به عنوان مدلی برای تقویت قدرت آمریکا مورد توجه قرار می‌دهد. نای تعریف‌های مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- توانایی جذب کردن
- توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران
- توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه
- توانایی تعیین اولویت‌های مشروع و یا دارای اعتبار معنوی
- قدرت جذب، اقناع و شیفتگی
- یک نیروی فرهنگی - اقتصادی
- تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده
- توانایی تأثیر بر دیگران جهت تبدیل خواسته شما به خواسته آن‌ها (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

باید در نظر داشت که قدرت نرم حتی به کشورهایی که دارای طیف محدودی از منابع نفوذ سنتی هستند (مثلاً کشورهای غیر عضو شورای امنیت سازمان ملل، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای یا کشورهای حاشیه جغرافیایی) اجازه می‌دهد تا به‌طور پنهان بر فرآیندهای بین‌المللی تأثیر بگذارند. در چارچوب یک جهان چندقطبی و چندمرکزی، هر کشوری، صرف‌نظر از موقعیتی که در سلسله‌مراتب جهانی دارد، می‌تواند به‌طور پنهان فرآیندهای بین‌المللی را که در یک منطقه کلان معین یا حتی در سطح جهانی در جریان است، تحت

تأثیر قرار دهد، مشروط بر اینکه از ابزارهای قدرت نرم استفاده بهینه کند (Leonova, 2014).

۲. منابع قدرت نرم

قدرت نرم یک کشور اساساً از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ آن. ارزش‌های سیاسی آن، مانند دموکراسی و حقوق بشر (زمانی که از آن‌ها حمایت می‌کند)؛ و سیاست‌های آن (زمانی که آن‌ها مشروع تلقی می‌شوند زیرا با آگاهی از منافع دیگران چارچوب‌بندی شده‌اند). یک دولت می‌تواند از طریق نمونه رفتار خود در داخل (مانند حمایت از مطبوعات آزاد و حق اعتراض)، در نهادهای بین‌المللی (مشاوره با دیگران و تقویت چندجانبه‌گرایی) و از طریق سیاست خارجی خود (مانند ترویج توسعه و حقوق بشر). (NYE, 2022). رویدادهای فرهنگی، برنامه‌های مبادله، پخش برنامه، یا آموزش زبان یک کشور و ترویج مطالعه فرهنگ و جامعه یک کشور اغلب به‌عنوان ابزار قدرت نرم تلقی می‌شوند. باین حال، این فعالیت‌ها به‌طور مستقیم قدرت نرم تولید نمی‌کنند. کاری که آن‌ها می‌توانند انجام دهند ترویج درک، تصاویر مثبت طبیعت و تبلیغ افسانه‌ها به نفع کشور مبدأ است (Vuving, 2009: 13)؛ بنابراین، این سه منبع غیرمادی و نامحسوس در مقابل منابع مادی و محسوس قدرت سخت از جمله ابزار و ادوات نظامی قرار می‌گیرند. از منظر نای در صورتی که این سه عنصر دارای ویژگی‌های خاص باشند، می‌توانند منابع تولیدکننده قدرت نرم برای کشورها قلمداد شوند. به‌عبارت دیگر، فرهنگ باید دارای گزاره‌هایی جذاب و قابل‌پذیرش برای مردمان دیگر کشورها و بافرهنگ‌های متفاوت باشد متغیر دوم ارزش‌های سیاسی، باید در داخل و در خارج از کشور وفادارانی متعهد در راستای عمل به آن‌ها وجود داشته باشند. در نهایت سیاست خارجی نیز باید موردپذیرش دیگر کشورها قرار گرفته و دارای منبع مشروعیت بخش باشد. در کل این سه عنصر باید قدرت اغواکنندگی را در خود داشته باشند تا دیگران را مجبور به پذیرش از سوی خود

کنند (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). چنانچه جین شارپ^۱ در بیان کاربردهای قدرت نرم آن را این گونه بیان می‌کند:

قدرت نرم از روش تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیادهای ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده، آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این گونه تغییرات، معمولاً از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود؛ یعنی عرصه‌هایی که معمولاً خارج از افق دید، نظارت و راهبردی سرویس‌های اطلاعاتی سنتی قرار دارد. در قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت‌مندی، تن به قدرت جدید می‌دهد و خواسته‌های قدرتمند را اجابت و اجرا می‌کند. به تعبیر دیگر قدرت نرم به جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسو می‌سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب بازمی‌ستاند (عسگری و وکیلی، ۱۳۸۸: ۳۱۷-۳۱۸). در بررسی شاخص‌های قدرت نرم از منظری دیگر می‌توان به ارکان قدرت نرم توجه داشت. این فرایند دارای سه رکن اصلی و مهم است:

الف. باورها و ارزش‌ها: باورها عبارت‌اند از ایمان و اعتقادی که نسبت به وجهی از واقعیت وجود دارد، که آن حقیقتی آزموده شده و دانسته تلقی می‌شود. افراد بر اساس باورهای خود، ترجیحشان را متناسب با ارزش‌های خویش، نظم و نظام می‌بخشند. ایستارها یا باورها که از ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای اجتماعی و از بسترهای ویژه تاریخی، اجتماعی، اقلیمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ناشی می‌شوند، جوهره قدرت نرم را تشکیل می‌دهند.

¹ Jane Sharpe

ب. اعتماد: اعتماد که جانمایه سرمایه اجتماعی است، یکی دیگر از ارکان قدرت را تشکیل می‌دهد. اعتماد اجتماعی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد به نحوی که افراد به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان تعهد داشته باشند، اعتماد عمومی آمادگی بالقوه شهروندان اول "اعتماد عمومی" که ناظر به کلی برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آن‌ها را برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی را نشان می‌دهد. دوم "اعتماد دانش‌پایه" که می‌تواند در هر جامعه وجود داشته باشد و مبنای آن دانش است و سوم "اعتماد ویژه" که به وجود اعتماد بین تعداد قلیلی از افراد اشاره دارد.

پ. اعتبار: ضلع دیگر قدرت نرم، اعتبار است. اعتبار همواره مدنظر قدرت‌ها بوده است و از این رو، اندیشمندان روابط بین‌الملل آن را به‌عنوان یک منبع مستقل قدرت به شمار می‌آورند. البته اعتبار ناشی از عوامل مختلفی از جمله حسن انجام وظایف و کارآمدی به شمار می‌آید. نای در این خصوص می‌گوید: اعتبار یک منشأ تعیین‌کننده و یک عنصر بااهمیت قدرت نرم محسوب می‌شود. از نظر وی شهرت یا اعتبار اهمیت بیشتری حتی نسبت به گذشته پیدا کرده است. مبارزات سیاسی بر سر ایجاد و از بین بردن اعتبار رخ می‌دهند. دولت‌ها نه تنها با دیگر دولت‌ها بر سر اعتبار به رقابت می‌پردازند؛ بلکه این کار را با بهره‌گیری از گستره وسیعی از بدیل‌های مختلف شامل رسانه‌های خبری، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مجامع علمی انجام می‌دهند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

۳. تولید قدرت نرم

دو روش مهم تولید قدرت نرم وجود دارد: روش ساختاری و روش غیر ساختاری. روش‌های غیر ساختاری در تولید قدرت نرم عبارت‌اند از: تولید قدرت بر اساس سمبل‌ها و نمادهای عمومی، تولید قدرت بر اساس اقتدار رهبری فرهمند و کاریزمایی، تولید قدرت بر مبنای الفت دینی، تولید قدرت بر مبنای ولایت دینی، تولید قدرت بر اساس نفوذ و اقتدار

نخبگان، تولید قدرت بر اساس ترغیب و مراقبت عمومی، تولید قدرت بر محور دفع مخاطرات همگانی و تولید قدرت بر اساس ارتباطات عمومی؛ برای تولید قدرت اجتماعی پایدار و قوی، نه استفاده از یک روش ساختاری به تنهایی کفایت می‌کند و نه استفاده از یک روش غیر ساختاری می‌تواند جایگزین دیگر روش‌ها شود. آنچه مهم است، ترکیب روش‌ها با یکدیگر و تولید قدرت به وسیله تجهیز و ترکیب همه منابع ممکن و با استفاده از تمامی روش‌های مذکور است. به‌طور مثال، منابعی نظیر فرهنگ و باورهای دینی و امداد ماوراءالطبیعی را نمی‌توان صرفاً در قالب‌های ساختاری تولید قدرت محدود نمود و در حدی شایسته و درخور بکار گرفت، زیرا این منابع در حصار ساختارهای دیوان‌سالارانه به سرعت تضعیف می‌شوند. این منابع را بیش از همه با تکیه بر روش‌های غیر ساختاری می‌توان تجهیز و ترکیب نمود و در تولید قدرت اجتماعی به کار بست (واثق، ۱۳۸۴: ۸۰۴).

یک شیوه متفاوت برای تفکر در مورد قدرت نرم، توانایی ایجاد اجماع در خصوص مفهوم مشترک است و کشورها با بهره‌گیری از چهره نرم‌افزاری قدرت در مناسبات خویش می‌توانند میزان اعتبار و نفوذ خویش را ارتقاء بخشند. بهره‌برداری از قدرت نرم، آنان را قادر می‌سازد از تلفات مالی و جانی ناشی از کاربست قدرت سخت دوری جویند و به این طریق، اذهان و افکار عمومی بین‌المللی را با خویش همراه سازند. منابع قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌ها است و با این‌که منابع قدرت نرم معمولاً قابل‌رؤیت نیستند؛ ولی دارای تأثیرگذاری بسیار عمیق می‌باشند. منابع قدرت نرم در درون و بیرون بخش دولتی قرار دارند. بدین ترتیب، قدرت نرم یکی از ویژگی‌های دانشگاه‌ها، کسب‌وکار، سازمان‌های مذهبی، تیم‌های ورزشی و شهروندان آن است. دیپلماسی نیز یک ابزار دیگر برای قدرت نرم هم در شکل دیپلماسی دولت‌به‌دولت سنتی و هم در شکل دیپلماسی عمومی مربوط به اثرات متقابل دولت با مردم است. مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم عبارت‌اند از: جریان اطلاعات، روابط عمومی سیاسی برای مخاطبان خارجی، بازاریابی جهانی، جایگاه کشور در سلسله‌مراتب جهانی، زبان کشور و رتبه آن در جهان، دیپلماسی

مردمی (عمومی)، گردشگری، تبادلات ورزشی و فرهنگی، سیستم آموزش و مبادلات دانشجویی (جوانان)، توانایی به راه انداختن جنگ‌های رسانه‌ای، سیاست مهاجرت، جامعه ملی مهاجران و گفتگوی فرهنگی. استفاده کارآمد از ابزارهای قدرت نرم ممکن است توهّم منافع متقابل، اعتماد، احترام و درک متقابل را تقویت کند و برای یک دولت خاص امکان تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی و بشردوستانه در جهان و کشورهای خاص را فراهم کند (Leonova, 2014).

۴. روایت‌های راهبردی به‌عنوان منابع قدرت

در ابتدا، یک روایت متقاعدکننده می‌تواند به‌صورت منبع قدرت باشد زیرا افراد به برخی بازیگران، رویدادها و توجیه‌ها توصیف تاریخ یک کشور یا تعیین یک سیاست مراجعه می‌کنند. دوم، ارتباطات روایی به‌عنوان یک فرایند به‌عنوان شیوه‌ای مطرح هستند که از طریق آن قدرت نرم را می‌توان در قیاس گسترده درک کرد. در این رابطه در مورد روابط بین‌الملل مواردی قابل مطرح شدن هستند:

۴-۱. **کاراکتر یا بازیگران:** بازیگران افرادی هستند که دارای یک سازمان یا کارگزاری هستند و برای روایت‌ها مهم ارزیابی می‌شوند. دولت‌ها، بازیگران غیردولتی، ابرقدرت‌ها، قدرت‌های طبیعی، کشورهای سرکش، تروریست‌ها، سازمان‌های غیردولتی (سازمان‌های غیردولتی) و شرکت‌های چندملیتی (شرکت‌های چندملیتی) همگی بازیگران مربوط به سیستم بین‌المللی امروزه هستند. در چارچوب احزاب سیاسی داخلی، گروه‌های فشار، طبقات اقتصادی و افراد در روایت‌های مربوط به سیاست‌های داخلی و دولت باقی می‌مانند. این موارد به ما اطلاعاتی در مورد اهمیت افراد ارائه می‌کند. به‌علاوه، بازیگران درون روایت‌ها دارای خصوصیات، منافع و رفتارهای خاص هستند. برای مثال، کارهای علمی نشان می‌دهد که ماهیت قدرت بزرگ جهانی موجب شده است تا برخی از کشورها و دولت‌ها یک سری رفتارهای خاصی را اتخاذ کنند که قدرت‌های طبیعی این رفتارها را

نشان نمی‌دهند یعنی قدرت‌های بزرگ جهانی، بازیگرانی در چارچوب یک روایت در مورد سیستم بین‌المللی می‌باشند.

۲-۴. **شرایط، محیط و فضا:** چه چیزی موجب هموارسازی زمینه و شرایط می‌شود؟ یک اقدام در کجا رخ می‌دهد؟ از حیث روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، شرایط اشاره به شیوه ترسیم سیستم بین‌الملل و شیوه کارکرد آن دارد. آیا دنیا به صورت استقلال یا جهانی‌سازی با ابعاد مربوط به همکاری در راستای رسیدن به اهداف مشترک محسوب می‌شود یا نه و یا اینکه به صورت دنیای دوستی‌ها و دشمنی‌ها است، افرادی که به آنچه شما انجام می‌دهید یا نمی‌دهید باور دارند؟ همانند بازیگران، شرایط یا محیط با فرضیات، اظهارات و اصول و منطق‌های مهم همراه است. این بر دامنه امکان از حیث شناسایی مسائلی که نیازمند حل و فصل هستند و اهدافی که بایستی حاصل شوند شکل می‌دهد. چه کسی بر این فضا یا محیط شکل می‌دهد

۳-۴. **تعارض یا عمل:** چه کسی برای چه کسی کار انجام می‌دهد و چه کار انجام می‌دهد و واکنش‌ها و اثرات متقابل حاصل از آن‌ها چیست؟ این خود نشان‌دهنده اهمیت زودگذری و جسمانیت است، زیرا روایت‌ها کاملاً برای رسیدگی به گذشته، حال و آینده سازماندهی شده‌اند. این اشاره به شناسایی خطرات ادراک شده دارد و یا اینکه توسط چه کسی یا چگونه این خطر بایستی رفع شود. برای مثال، مشاهده شده است که دنیا به صورت مکانی است که در آن تروریست‌ها امنیت همه را به خطر می‌اندازند، بسیاری از دولت‌ها بسیاری از گروه‌ها را به صورت تروریست قلمداد می‌کنند و پاسخ ضمنی آن‌ها استفاده از ارتش و نظارت‌ها و مراقبت‌های قابل توجه است.

۴-۴. **حل اختلاف یا حل اختلاف پیشنهادی:** روایت‌ها برای انسان به دلیل ارائه اقدامات برای حل تعارض و اختلاف در شرایط فعلی تا حدودی جذاب است. حل اختلاف پیشنهادی در روایت‌ها به شیوه‌های مختلف، هم از دیدگاه فکری و هم از دیدگاه عملی محدودکننده است. برای مثال، روایت‌ها در مورد یک سیستم بین‌المللی که بر

اهمیت مشارکت بین‌المللی برای مواجهه با افراد هنجارشکن تأکید دارد، نشان‌دهنده یک رفتار قابل قبول در سیستم بین‌المللی است. در این صورت استفاده از نیروهای نظامی به صورت یک‌جانبه سخت خواهد بود (Roselle and other, 2014:75).

با گرایش بنیان‌های اصلی قدرت از نظامی‌گری به اقتصاد و از اقتصاد به فرهنگ و قدرت اطلاعات، امروزه بیشتر بر روی قدرت نرم و تأثیرات عمیق و پایدار آن تأکید می‌شود. بر این اساس و با توجه به تطور مفهوم قدرت بحث تهدیدات ملی نیز دگرگون شده است. در واقع، امروز برخلاف گذشته اشغال نظامی و کلاسیک کشورها یا حکومت‌ها کمتر موضوعیت دارد، بلکه بیشتر بر اشغال بنیان‌های فکری و باورهای ملت‌ها و تغییر ذهنیت و فضای ذهنی انسان‌ها تأکید می‌شود. تغییر یا ساختن ذهنیت افراد یا ایجاد عینیت‌های غیرحقیقی با بهره‌گیری از ابزار رسانه بستر ساز سلطه جدید استعمار و شکل‌گیری هژمونی فرهنگی آن شده است. در این روش، به جای بهره‌گیری از قدرت سخت، اقیانوس‌سازی با آثار پایدار آن بر ملت‌ها دنبال می‌شود و نوعی مشروعیت و حقانیت فرهنگی برای مجری آن به همراه می‌آورد که از آن به هژمونی فرهنگی (قدرت نرم) تعبیر می‌شود (سلیمانی چهارده، ۱۳۹۲: ۴۲).

اندازه‌گیری قدرت نرم

در حالی که اندازه‌گیری «قدرت نرم» هرگز علمی و دقیق نخواهد بود، تلاش‌های زیادی برای تعیین کمیت آن صورت گرفته است. اولین تلاش برای اندازه‌گیری مناسب «قدرت نرم» کشورها از طریق یک شاخص ترکیبی توسط مؤسسه دولت به همراه شرکت رسانه‌ای Monocle در سال ۲۰۱۰ ایجاد و منتشر شد. شاخص‌ها عبارت بودند از: فرهنگ - میزان جذابیت فرهنگی ملت، دیپلماسی - قدرت شبکه دیپلماتیک آن، آموزش - شهرت جهانی نظام آموزش عالی آن، کسب و کار/نوآوری - جذابیت مدل اقتصادی یک کشور و تعامل دیجیتال آن با جهان، دولت - کیفیت نهادهای سیاسی یک کشور. در این شاخص‌ها، فهرست با استفاده از حدود پنجاه عامل محاسبه می‌شود که نشان‌دهنده استفاده از «قدرت

نرم» است. این‌ها شامل تعداد مأموریت‌های فرهنگی مانند آموزشگاه‌های زبان، مدال‌های المپیک و کیفیت معماری و برندهای تجاری یک کشور است. البته، عواملی که در واقع در «قدرت نرم» کامل یک کشور دخیل هستند، بسیار بیشتر از اندازه‌گیری این فهرست‌ها خواهند بود، زیرا برخی از این عوامل قابل اندازه‌گیری نیستند و بسیاری از آن‌ها به رسمیت شناخته نشده‌اند. با این حال، رتبه‌بندی کشورها به این روش عمدتاً موفقیت‌آمیز بوده است و اکثر کشورها اهداف خاصی را برای رتبه‌بندی بالاتر در فهرست‌های «قدرت نرم» تعیین کرده‌اند. بر اساس نظرسنجی Brand Finance در سال ۲۰۲۱، آلمان در صدر رتبه‌بندی بین‌المللی قرار دارد، پس از آن ژاپن در رتبه دوم قرار دارد و سپس بریتانیا در رتبه سوم قرار دارد. (Advance, 2021).

بیست کشور اول در قدرت نرم



منبع: (brandfinance, 2021)

اروپا و آسیا اکثر کشورهای با بهترین عملکرد را به خود اختصاص داده‌اند و مجموعاً ۷۵ درصد از ۲۰ رتبه برتر در شاخص جهانی قدرت نرم ۲۰۲۱ را به خود اختصاص داده‌اند. ژاپن بهترین کشور آسیایی با عملکرد برتر و در مجموع دومین کشور (۶،۶۰ از ۱۰۰) است و با دو جهش بالاتر است. برنده‌های قوی، هزینه‌های مصرف‌کننده قوی و سطوح بالای سرمایه‌گذاری تجاری خود عامل آن است و دوباره در رکن تجارت و تجارت در رتبه اول قرار دارد. علاوه بر این، ژاپن در امتیاز آموزش و علم خود بهبود یافته است و اکنون در این معیار نیز رتبه اول را دارد. کشورهایی مانند کانادا (۴ - ۵۷,۲ - ۵۷,۲) و سوئیس (۵ - ۵۶,۳) با شاخص کلی بالا، همچنین در سه معیار کلیدی: شهرت، حکومت و پاسخ آن‌ها به کووید-۱۹ در بین پنج کشور برتر قرار گرفتند. یک همبستگی بین ادراک از اینکه یک کشور چقدر خوب اداره می‌شود و ارزیابی‌هایی از مدیریت آن با همه‌گیری. از طرف دیگر، ویتنام با رتبه ۴۷ در شاخص کلی، (۳۳,۸) کشوری است که به‌طور عینی کووید - ۱۹ را به‌خوبی مدیریت کرده است، اما به‌احتمال‌زیاد به دلیل حکمرانی ضعیف، اعتباری را از عموم مردم در سراسر جهان دریافت نمی‌کند. ویتنام یکی از کمترین میزان آلودگی و مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ را در جهان دارد. نه تنها واکنش به این بیماری همه‌گیر - با توجه به مرز مشترکش با چین - چشمگیر است، بلکه ویتنام نیز یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی را در جهان در سال ۲۰۲۰ تجربه کرد - یکی از معدود کشورهایی با رشد مثبت در سال ۲۰۲۰ است (brandfinance, 2021). آلمان رتبه اول در شاخص جهانی قدرت نرم جهانی Brand Finance در سال ۲۰۲۱ را دارد، درحالی‌که ایالات متحده در رتبه‌بندی کشوری است که سریع‌ترین سقوط را دارد و به رتبه ششم رسیده است. ژاپن کشور آسیایی با عملکرد برتر و در مجموع دومین کشور است، پس از آن قدرت‌های سنتی آلمان - بریتانیا (سوم) فرانسه (هفتم)، چین (هشتم)، روسیه (۱۳)، ایتالیا (۱۹)، اسپانیا (۲۲) قرار دارند (پیشین).

۵. نقد قدرت نرم

در مقام نقد نظر نای در خصوص قدرت نرم می‌توان به موارد زیر به‌عنوان ویژگی‌های قدرت نرم اشاره کرد:

الف - تفکیک بین اخلاق و قدرت: این قدرت مقید به اخلاق نیست و اگر هم درجایی به آن استناد کند استفاده ابزاری از اخلاق برای رسیدن به هدف است.

ب- مرجعیت مادی (ماده‌گرایی): بسیاری از منابع قدرت نرم غیرمادی هستند؛ اما چون مبنای تفکر غربی بر مادی‌گرایی استوار است از این منابع غیرمادی غافل مانده است. مفاهیمی چون ایمان و عمل صالح را می‌توان از این دست نام برد.

ج- تفاوت در به‌کارگیری ابزار: در این نوع قدرت هدف وسیله را توجیه می‌کند درحالی‌که در برخی از جهان‌بینی‌ها مانند اسلام که خود از منابع بی‌شماری از قدرت نرم برخوردار است چنین اجازه‌ای به هیچ‌کس داده نشده است.

د- گزینه محوری: جذابیت مورد تأکید در قدرت نرم بر گزینه انسانی استوار است؛ بنابراین این قدرت کلاً در اختیار ارضای غرایز انسانی قرار می‌گیرد و انسان را تک‌ساحتی می‌بیند.

ه- محدود کردن عوامل اثرگذار به جذابیت: هرچند تولید جذابیت بهترین روش تأثیرگذاری است، اما تأکید بیش‌ازحد نای به مفهوم جذابیت در قدرت نرم باعث فراموشی دیگر ابعاد مانند روابط مؤثر، احساسات و عاطفه در این نوع قدرت شده است.

و- محدود کردن راه‌های محقق کردن اهداف به شیوه‌های اثرگذاری: دلیلی برای محدود کردن راه‌های کسب نتیجه به اثرگذاری وجود ندارد چون اثرگذاری فقط یکی از راه‌های کسب نتایج است و روش‌های دیگری را هم می‌توان برای اثرگذاری انتخاب کرد مانند استفاده از قدرت ایمان برای اثرگذاری (کرباسی، ۱۳۹۱: ۱۷).

ن- تفاوت در کشورها: مفهوم لیبرال قدرت نرم در جهان غیرغربی محدودیت‌هایی دارد. برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم (همان‌طور که نای فرموله کرده است) تأثیر مؤثری در

کشورهای جهان شرقی ندارند. به دلیل فرهنگ سیاسی خاص کشورهای شرقی، برخی از ارزش‌های سیاسی لیبرال دموکراسی مانند ایده لیبرال دموکراسی، حقوق بشر و آزادی (آن‌گونه که در غرب به آن پرداخته می‌شود) مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با این حال، ایده خیریه و حمایت اجتماعی از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی (که جوهر مفهوم دولت اجتماعی را تشکیل می‌دهند) در آنجا به خوبی درک می‌شود (Leonova, 2014).

نتیجه گیری

قدرت نرم به عنوان یکی از مصادیق قدرت که بعد از اوایل قرن بیست و یکم مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها بازی می کند. در تعاریف این قدرت توانایی جذب کردن، توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران، توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، توانایی تعیین اولویت ها به گونه های که مشروع به نظر رسیده یا دارای اعتبار معنوی باشد، قدرت جذب، اقناع و شیفتگی، یک نیروی فرهنگی - اقتصادی، تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده بکار رفته است. روایت های راهبردی به عنوان منابع قدرت شامل بازیگران، محیط، تعارض یا عمل، حل اختلاف است.

به طور کلی با رشد ماهیت روابط در نظام بین الملل و مطرح شدن مباحث جانی شدن می توان گفت که در تشکیل یا زوال اتحادها و پیمان ها و سازمان ها، در مشروعیت مداخلات نظامی یا مقاومت در صورتی که زمینه و کاراکتر مشارکت بین الملل تغییر کند، چون آن ها در چشم انداز رسانه های متغیر در حال رخ داد است، می توان یک رابطه اساسی مستقیم را بین روابط بین الملل و ارتباطات جهانی از یک سو و جنگ، درگیری و واسطه گیری از سوی دیگر یافت. با این حال انتقاداتی که به قدرت نرم و استفاده از آن شده است شامل تفکیک بین اخلاق و قدرت، مرجعیت مادی (ماده گرایی)، تفاوت در به کارگیری ابزار، گزینه محوری، محدود کردن عوامل اثرگذار به جذابیت و محدود کردن راه های محقق کردن اهداف به شیوه های اثرگذاری است هرچند این انتقادات نمی تواند از اهمیت و تأثیر قدرت نرم نیز تا حد نادیده گرفتن نقش و اهمیت آن بکاهد.

منابع

- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، ش (۲)، صص ۱۴۲-۱۲۱.
- کرباسی، وحید (۱۳۹۱). بررسی و نقد قدرت نرم. فصلنامه ره‌آورد سیاسی، ش (۳۶)، صص ۲۰-۳.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مایلی، محمدرضا، مطیعی، مریم (۱۳۹۵)، قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۵، صص ۱۹۰-۲۰۷.
- متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه، (۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی، خاورمیانه، فصلنامه راهبرد دفاعی. ش (۳۳)، صص ۱۳۶-۱۰۲.
- حیدری، منصور؛ قربی، سید محمدجواد؛ محمدی، مجتبی (۱۳۹۴)، سیاست خارجی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مورد کاوی چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، ش (۳۷)، صص ۴۶-۹.
- سلیمانی چهارده، محمد (۱۳۹۲)، قدرت نرم؛ ابزار نوین سلطه در کشورهای جهان سوم، استاد راهنما؛ احمد جانسیز، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه گیلان.
- فتاحی اردکانی، حسین؛ امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ هرسیج (۱۳۹۷)، تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش (۱)، صص ۶۲-۲۹.
- جعفری فر، احسان؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۴۰۰)، سیاست روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش (۴۳)، صص ۸۵-۵۷.

عسگری، غلامرضا، و کیلی، فرهاد (۱۳۸۸)، نقش قدرت نرم در تهدیدات نرم، در مجموعه مقالات، امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، معاونت پژوهشی دانشگاه امام هادی (علیه السلام).

واثق، محمود (۱۳۸۴)، ریشه‌های نظری دیدگاه‌های نوین جغرافیای سیاسی در منابع اسلامی، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران، استاد راهنما دکتر زهرا پیشگاهی فرد.

Advance. (2021, sep 15). Retrieved from Soft Power: What is it and why is it important?: <https://advance.org/soft-power-what-is-it-and-why-is-it-important/>

Brandfinance. (2021, FEB 25). Retrieved from Global Soft Power Index: Australia breaks into Top 10: <https://brandfinance.com/press-releases/global-soft-power-index-australia-breaks-into-top-10>

Leonova, O. (2014). Retrieved from SOFT POWER AS A STATE'S FOREIGN POLICY RESOURCE: https://www.sociostudies.org/almanac/articles/soft_power_as_a_state-s_foreign_policy_resource/

NYE, J. (2022, jan 11). Retrieved from Whatever Happened to Soft Power?: <https://www.project-syndicate.org/commentary/whatever-happened-to-soft-power-by-joseph-s-nye-2022-01?barrier=accesspaylog>

Roselle, L., Miskimmon, A., & O'loughlin, B. (2014). Strategic narrative: A new means to understand soft power. *Media, war & conflict*, 7(1), 70-84.

Vuving, A.L (2009). How Soft Power Works, American Political Science Association Annual Meeting, Toronto, September 2, 2009